

بررسی تحلیلی واقعه غدیر خم در آینه شعر بولس سلامه

دکتر امیر مقدم متقی^۱

دکتر یدالله رفیعی^۲

مسعود باوان پوری^۳

چکیده

واقعه انکارناپذیر غدیر در تاریخ اسلام، ضمیر هر واقع‌بینی را روشن می‌کند و نکته‌های معرفت را به هر منصفی می‌آموزد. شعرای بسیاری در طول تاریخ ادبیات عربی و غیر آن، واقعه غدیر را دستمایه سرایش اشعار خود قرار داده و آثار نغز بسیاری در این زمینه آفریده‌اند. این سروده‌ها حاکی از بیان داستان غدیر و ولایت و محبت به علی علیه السلام است. بررسی غدیره‌های بولس سلامه، شاعر مسیحی مذهب لبنانی، نشان می‌دهد که امام علی علیه السلام و مسأله غدیر در اندیشه شعری وی جایگاهی منحصر به فرد دارد. ملحمه (عیدالغدیر) که از زیباترین سروده‌های حماسی است، گویای عشق راستین شاعر به امام علی علیه السلام و بیانگر حوادث و وقایع روز غدیر است. در این مقاله، واقعه غدیر در اندیشه شعری سلامه، به روش توصیفی - تحلیلی بررسی شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد شاعر در قالب موضوعاتی؛ مانند: علی علیه السلام وارث و برادر نبی صلی الله علیه و آله و سلم، حجة الوداع، ابلاغ پیام از جانب جبرئیل و... به توصیف غدیر در شعر خویش پرداخته است.

واژگان کلیدی: شعر، غدیر، امام علی علیه السلام، بولس سلامه.

۱- دانشجوی گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دکتر شریعتی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

a.moghaddam@ferdowsi.um.ac.ir

rafiei_y20@yahoo.com

۲- استادیار زبان و ادبیات عربی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اسلامی

۳- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، نویسنده مسئول masoudbavanpouri@yahoo.com

مقدمه

شعر در عصر حاضر، توانسته است چهره‌هایی برجسته را به قلمرو ادب عرضه دارد که روز به روز بر گستره سخن می‌افزایند. اقبال خوانندگان به آثار شعری شاعران، نشان داده که شعر در بین مردم، جایگاه خود را حفظ کرده است. واقعه غدیر، در زمان‌های مختلف، توسط شعرای متعدّد و به زبان‌های گوناگون به رشته نظم درآمده است.

آثار برجای مانده از آنان، در کنار دیگر منابع، سندیت غدیر، قرار گرفته و در حفظ این ماجرا نقش داشته است. ارادت متفکران و ادبای عرب؛ به‌ویژه مسیحیان عرب‌زبان به امیرالمؤمنین علیه السلام و واقعه غدیر، رخدادی است که نمی‌توان به سادگی آن را نادیده گرفت. آنان در طول قرن‌ها، با اندیشه‌ها و سیره آن حضرت آشنا شدند و این ارادت را در گفتار و نوشتار خود بازتاب دادند. در بازگردان آیات قرآن به زبان فارسی از ترجمه ناصر مکارم شیرازی استفاده شده است.

۱- بیان مسأله

سخن از غدیر، سخن از واقعه‌ای انکارناپذیر در تاریخ اسلام است که ضمیر هر واقع‌بینی را روشن می‌کند؛ یعنی واقعه‌ای برای اعلام ولایت به حقّ مردی که بزرگان جهان او را به عالی‌ترین واژه‌ها ستوده و سخن او را مادون سخن خالق و مافوق سخن مخلوق دانسته‌اند (سایت پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، www.hawzah.net، ۱۳۹۵)؛ همان واقعه‌ای که عدم اعلام آن، برابر با هدر رفتن کلّ زحمات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در طول دوران تبلیغ، شکنجه‌ها و... بود.

قطعاً شنیدن اوصاف اهل بیت علیهم السلام از زبان نویسندگان مسیحی، لطفی دیگر دارد؛ زیرا رابطه امام و مأمومی که بین شیعیان و اهل بیت علیهم السلام وجود دارد، میان آنان و ائمه اطهار علیهم السلام برقرار نیست. آن‌ها در این زمینه، آثاری ناب بر جای گذاشته‌اند.

یکی از این مسیحیان، «بولس سلامه» است که تجلی علویّ در وجودش شعله کشید. او همواره ذکر مرتضویّ بر لب داشته و تراوشات فکری خود را به زبان شعر، به عالم ادب تقدیم کرده و با وجود مسیحی بودن، دیوانی کامل در این زمینه از خود بر جای گذاشته است. پژوهش حاضر کوشیده است ضمن بررسی سیمای امام علی علیه السلام در اندیشه مسیحیان معاصر، درنگی نیز بر زندگی و سبک بولس سلامه داشته، سپس به بررسی و تبیین واقعه عظیم غدیر در شعر وی بپردازد.

۲-۲: ضرورت پژوهش

واقعه غدیر یکی از حوادث بزرگ تاریخ اسلام است. این واقعه بزرگ، منشأ بسیاری از حوادث، گرایش‌ها و... گردید. در طول ۱۴۰۰ سال گذشته، بسیاری از محققان، به تحلیل و بررسی این واقعه تاریخی پرداخته‌اند. بررسی این واقعه عظیم در شعر بولس سلامه ضرورت اصلی نگارش این مقاله بوده است.

۳-۱: پرسش‌های پژوهش

بولس سلامه تا چه میزان به واقعه غدیر توجه داشته است؟
وی این واقعه را چگونه در شعر خویش منعکس ساخته است؟

۴-۱: پیشینه پژوهش

مهین حاجی‌زاده (۱۳۹۰) در مقاله «واقعه غدیر در آئینه اشعار سید حمیری»، پژوهشنامه علوی، دوره ۲، شماره ۲ نتیجه گرفته است، شاعر با بهره‌گیری از ذوق و خود، چکامه‌هایی مانند‌گار در توصیف فضایل اخلاقی امام علی علیه السلام به ویژه واقعه غدیر خم از خود به یادگار گذاشته است. علی‌پیرانی‌شال و حسین روستایی (۱۳۹۱) در مقاله «رثاء الامام الحسین فی ملحمة عید الغدیر»، آفاق الحضارة الإسلامية، دوره ۱۵، شماره ۱، ضمن بررسی سبک شعری بولس سلامه به بررسی مضامین رثای امام حسین علیه السلام در این حماسه پرداخته‌اند. محمدرضی مصطفوی‌نیا و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی تطبیقی غدیریه بولس سلامه و عبدالمسیح انطاکی»، پژوهشنامه علوی، دوره ۳، شماره ۶ نتیجه گرفته‌اند دو شاعر در قصاید خود ۱- تاریخ و حقایق تاریخی را مدنظر قرار داده و تاریخ را بیش‌تر از تخیل در اشعار خود وارد کرده‌اند؛ ۲- جزئیات این واقعه را توصیف کرده‌اند؛ ۳- به آیات قرآن، احادیث، و حوادث تاریخی اشاره کرده‌اند؛ ۴- عاطفه شعری را صادقانه در اشعار خود به کار برده و در بیان احساسات خود موفق بوده‌اند. ابوالحسن امین‌مقدّسی و اعظم شمس‌الدینی‌فرد (۱۳۹۵) در مقاله «نیم‌نگاهی به غدیریه‌های عربی»، پژوهشنامه علوی، دوره ۷، شماره ۱ به بررسی اسلوب و درون‌مایه غدیریه‌های عربی پرداخته‌اند. مطالعات حاصل از این تحقیق حاکی از آن است که در میان درونمایه‌های فراوان غدیریه‌های عربی، موضوعاتی از قبیل ابراز ارادت به امام علی علیه السلام، اشاره به آیه ولایت، بیعت با امام علیه السلام، نفرین دشمنان، اشاره به خلافت ایشان و نکوهش سقیفه بالاترین

بسامد را به خود اختصاص داده است. اما از ناحیهٔ اسلوب، سبک قصاید غالباً به صورت ایجاز است، گرچه در برخی موارد شاعران به استطراد و پراکنده‌گویی نیز پرداخته‌اند.

ولی مقاله‌ای که به طور خاص و جداگانه به بررسی واقعهٔ غدیر در ملحمة الغدیر سلامه پرداخته باشد، یافت نشد. نیز تفاوت اساسی این مقاله با مقالهٔ مصطفوی‌نیا و همکاران (۱۳۹۱) به این امر برمی‌گردد که در جستار پیش رو به بیان دلایل و حجت‌های بولس سلامه در برحق بودن امام علیؑ برای جانشینی پیامبر ﷺ اشاره شده است، حال آن که در مقالهٔ مذکور به بررسی تطبیقی بر تحلیل دو قصیدهٔ غدیریّه از دو شاعر مسیحی (بولس سلامه و عبدالمسیح انطاکی) پرداخته شده و نتایج آن نشان می‌دهد هر دو شاعر در قصاید خود:

- ۱- تاریخ و حقایق تاریخی را منتظر قرار داده و تاریخ را فزون‌تر از تخیل در اشعار خود وارد کرده‌اند؛
- ۲- جزئیات این رویداد (مواردی مانند میزان گرما، انبوه جمعیت، وجود نگرانی در چهرهٔ پیامبر ﷺ) را نیز توصیف کرده‌اند؛
- ۳- به آیات قرآن، احادیث، و حوادث تاریخی اشاره کرده‌اند؛
- ۴- عاطفهٔ شعری را صادقانه در اشعار خود به کار برده و در بیان احساسات خود موفق بوده‌اند.

۲- امام علیؑ در اندیشهٔ مسیحیان معاصر

اگرچه غالب نویسندگان مسیحی با دیدی غیرمنصفانه به اسلام و بزرگان آن نگریسته‌اند؛ اما در میان آنان، افرادی یافت می‌شوند که به اسلام و بزرگان آن با نگاهی حقیقی نظر کرده و تعصب دینی را در تاریخ خود اعمال نکرده‌اند. آنان بین اسلام و ایمان فرق می‌گذارند؛ چنان‌که اسلام را اقرار به شهادتین؛ یعنی وحدانیت خدا و نبوت پیامبر اسلام، محمد ﷺ می‌دانند و از آن‌جا که پیامبری حضرت برای آنان ثابت نشده یا به جهاتی دیگر به آن اقرار ندارند، به دنبال چهرهٔ برجستهٔ اصلی در اسلام امیرالمؤمنین علیؑ رفته‌اند؛ یعنی همان کسی که باعث جذب آنان به این دین شده است (رضوانی، ۱۳۸۷: ۱۰).

خداوند متعال، فطرت انسان را متمایل به خوبی‌ها آفریده است؛ از این رو هنگامی که منصفانی از ادیان دیگر با چنین شخصیتی روبه‌رو می‌گردند، به او متمایل می‌شوند؛ چنان‌که بولس سلامه در دیوان خود می‌گوید:

لَا تُقُلْ شَيْعَةً هُوَاةٌ عَلِيٍّ
 هُوَ فَخْرُ التَّارِيخِ لَا فَخْرُ شَعْبٍ
 إِنَّ فِي كُلِّ مُنْصِفٍ شَيْعِيًّا
 يَدَّعِيهِ وَيُضْطَفِيهِ وَلِيًّا

(سلامه، ۱۴۰۶: ۳۰۷)

«نگو فقط شیعه، هواداران علی علیه السلام هستند؛ چون هر انسان منصفی شیعه است. علی علیه السلام افتخار تاریخ است نه افتخار یک ملت‌ی که او را به عنوان ولی و سرپرست می‌خواند و بر می‌گزیند.»
 وانگهی مسیحیان در مطالعه آیات، احادیث و روایات اسلامی به این واقعیت پی می‌برند که انسان‌ها به ایمان دعوت شده‌اند و علی علیه السلام به عنوان محور ایمان، معرفی شده است. از امیرالمؤمنین، علی علیه السلام نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره او فرمود: «إِنَّهُ لَا يُجِنِّي إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يُبْغِضُنِي إِلَّا مُنَافِقٌ»؛ «مرا جز مؤمن، دوست ندارد و جز منافق با من، دشمنی نمی‌ورزد.» (رضوانی، همان: ۱۱)، بسیاری از منصفان مسیحی، تنها با خواندن این گونه روایات، محبت حضرت علی علیه السلام را حقیقت ایمان به اسلام دانسته و از این طریق، بین اسلام و مسیحیت خود جمع نموده‌اند.

ما در هیچ یک از نوشته‌های اندیشمندان مسیحی، مطلبی را نمی‌یابیم که از پیامبر صلی الله علیه و آله و رسالتش سخن گفته و ایشان را مدح کرده باشد؛ در حالی که در کنار آن، مدح برادر و پسر عموی ایشان؛ حضرت علی علیه السلام مغفول مانده باشد تا حدی که بدون استثنا نام محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام را با هم آورده‌اند. پس آن‌ها در شخصیت امام علی علیه السلام - بی این که پیامبر و فرستاده‌ای، مانند عیسی مسیح علیه السلام و نبی اکرم صلی الله علیه و آله باشد - چه یافته‌اند که درباره ایشان می‌نویسند؟ بی‌شک آن‌ها می‌توانند اندیشه خود را به کار گیرند و با مطالعه کتب تاریخی و گزارش راویان و تعمق در احادیث و روایات معتبر، عقل را بر مسند قضاوت بنشانند و به دور از احساس، احادیثی را که در حقیقت از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان شده است از احادیث جعلی، تشخیص دهند. (انور هیفا، ۱۴۲۶: ۵۰-۵۴)

دانشمندان غیرمسلمان؛ به‌ویژه مسیحیان در وصف این امام بزرگوار علیه السلام از واژه‌هایی ناب استفاده کرده‌اند که از نهایت تحیر آنان گواهی می‌دهد؛ به طوری که یکی، علی علیه السلام را یکتا نسخه بی‌نظیر خلقت می‌خواند. دیگری، او را به طهارت وجدان، حرارت ایمان، عمق روح انسانیت، بلندی همت و نرمی طبیعت توصیف می‌کند. متفکری، شخصیت مولا را مرتفع‌تر از مدار ستارگان می‌داند. دانشمندی دیگر، او را وجدان بیدار، شهید نامی و فریاد عدالت انسانی می‌نامد. نویسنده‌ای، او را نخستین کسی می‌داند که با روح کلی جهان، ارتباط و پیوستگی یافته و همنشین گشته است و هم

او، مرگ بزرگمردی چون علی علیه السلام را مرگ پیامبران روشن‌بین می‌داند. نویسنده‌ای دیگر گوید: علی علیه السلام از اقیانوس‌های ژرف روح و بیان در هر زمان و در هر مکان است (سراج، ۱۳۷۶: ۳۱۹). مقصود ما از اشاره به ستایش غیرمسلمانان در این بخش، این است که بگوییم فضایل حضرت امیر، آنقدر واضح و مثل آفتاب روشن است که غیرمسلمانان؛ از جمله مسیحیان نیز با مسلمانان؛ اعم از شیعه و بزرگان اهل سنت، هم‌آواز شده‌اند که آری، بعد از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، کسی برتر از امام علی علیه السلام نبوده و نخواهد بود (نجفی، ۱۳۷۹: ۳۴).

۳- بولس سلامه، شاعر مسیحی

بولس بن یوسف سلامه، در سال ۱۹۰۲ در «بتدین اللقش» که روستایی در قضاء جزین در جنوب لبنان است، دیده به جهان گشود. پدرش، یوسف، فردی مسیحی و بی‌سواد؛ ولی بااستعداد و مادرش نیز لطیفه بنت حبیب القطار بود. سلامه در سال ۱۹۰۷ وارد مدرسه روستایش شد و در آن‌جا مبانی زبان عربی و فرانسه را آموخت. در سال ۱۹۲۳ نیز به مدرسه حقوق در بیروت رفت، گواهی مدرک لیسانس را گرفت و متولّی کار قضاوت مسیحیان در بیروت شد.

در تابستان سال ۱۹۲۹ با زنی غیرعرب ازدواج کرد که ثمره آن، چهار فرزند به نام‌های نهاد، سهاد، رشاد و جواد بود. بولس سلامه، داستان بیماری طولانی مدتش را در کتاب مذاکرات جریح خود آورده است. این بیماری از سال ۱۹۳۶؛ یعنی زمانی که مسند قضاوت در طرابلس را داشت، آغاز شد. در طول بیماری، ۲۶ بار، تحت عمل جراحی قرار گرفت؛ بالاخره بعد از آخرین عمل جراحی، در سال ۱۹۷۹ از دنیا رفت و در قبرستان خانوادگی خود در روستایش، بتدین اللقش، به خاک سپرده شد. همان طور که اشاره شد، بولس سلامه در مدارس متعدّد درس خواند؛ اما ایام تحصیل او با جنگ جهانی اول مصادف شد. این امر، باعث شد تحصیل در مدرسه را کنار بگذارد و خود به مطالعه بپردازد. او در این مدت، کتاب‌های الف لیلة و لیلة، سیرة عنتره، تغریمة بنی‌هلال و المهلهل، انجیل، تورات، نامه‌های قدیس بولس و قرآن را خواند و از نهج البلاغه و آثار جاحظ به شگفت آمد. مطالعات او فقط منحصر در زمینه ادبیات نبود؛ بلکه آثاری در زمینه دین و تاریخ و فلسفه را هم مطالعه کرد.

۳-۱: شخصیت و آثار بولس سلامه

وی از مادر، صبر و تعقل، صوت زیبا، سروده‌های سریانی و ترتیل را آموخت؛ همان گونه که از پدرش، شجاعت، وقار و جسمی تنومند را به ارث برد. بولس سلامه در امر قضاوت، به شجاعت، ضمیر بیدار، ایمان به حق، زیرکی و قدرت در نفوذ جان‌ها مشهور شد. وی هم‌چنین به دلیل صبر طولانی بر دردها و بیماری‌ها به ایوب قرن بیستم، لقب یافت؛ چنان که در کتاب مذاکرات جریح خود در قصیده «الم» از باب تشبیه می‌گوید:

أَيُّوبُ! مَا أَيُّوبُ مَاذَا حَطُّبُهُ؟ هُوَ قَطْرَةٌ وَأَنَا حِصْمٌ بَلَاءِ
فَإِذَا مَرَزْتُ عَلَى الْجَرِيحِ تَعُوذُهُ فَلَقَدْ أَتَيْتُ مَدَافِنَ الْأَحْيَاءِ

(سلامه، ۱۴۰۶: ۷)

«ایوب! ایوب کیست؟ مصیبت او چیست؟ مصیبت او در مقابل مصیبت من، مانند قطره در برابر دریا است. اگر بر مجروح بگذری او را به زندگی برمی‌گردانی؛ ولی تو اینک به مدفن زندگان آمده‌ای»

از برجسته‌ترین آثار او در زمینه شعر می‌توان به قصاید «علی و حسین»، «فلسطین و أختوها»، «حمدان البدوی»، کتاب‌های «الأمیر بشیر» و «عید السّین» و ملحمه‌های عیدالریاض و عیدالغدیر اشاره کرد. او هم‌چنین، قصایدی متفرقه در روزنامه‌های مختلف انتشار داد که قدّیسین و القدّیسات و غیره از مهم‌ترین آنها هستند. آثاری فراوان نیز به نثر از وی بر جای مانده است که به دلیل استعمال تطویل، استطراد و تکرار، از زیبایی فنی آنها کاسته شده است. از برجسته‌ترین آثار وی در این زمینه، می‌توان کتاب‌های «حدیث العشیة»، «مذاکرات جریح»، «الصراع فی الوجود»، «حکایة عمر»، «خبز و ملح»، «مع المسیح»، «من شرفتی»، «تحت السندیانة»، «لیالی الفندق» و «فی ذلک الزمان» را نام برد (عید، ۱۹۹۲: ۹-۲۴).

۳-۲: اسلوب ادبی بولس سلامه

سلامه در نظم، شیوه کلاسیک را در پیش گرفته و از نظر وزن و قافیه و ساختار، سبک گذشتگان را حفظ کرده است، ولی با تکیه بر زمان حال، شعر را از تقلید، آزاد کرده و نوآوری‌هایی را به دور از وزن‌های جامد و قافیه‌های درهم آمیخته مطرح کرده است. بعضی از قصیده‌هایش گنجینه لغوی عمیقی است. او در نثر هم، زبان و لفظ و تعبیر گذشتگان را پیروی کرده

و نثر او تا حدی زیاد آکنده از غموض و تعقید است؛ خصوصاً در جاهایی که به ذکر حماسه و قهرمانی‌ها می‌پردازد. (همان، ۸۳) برخی از کلمات او، نامانوس و غریب است؛ چنان‌که از سرعت انتقال معنی می‌کاهد. وی در اشعارش از الفاظ غریب و خشن؛ هم‌چنین تشبیه، استعاره، جناس، وصف و به ویژه کنایه - به طوری وسیع - استفاده کرده است. اشعار او از سبکی زیبا، تعبیراتی دلکش، بیانی سهل و روان و عاطفه‌ای قوی و نیرومند برخوردار هستند؛ اما نویسنده کتاب «حماسه عیدالغدیر» معتقد است: سلامه از شاعران رمزگرای عرب و یکی از سردمداران مکتب شعری سمبولیسم در لبنان در پنج سال پس از جنگ جهانی اول به شمار می‌آید. (مرعشی، ۱۳۸۳: ۴۱)

۳-۳: بولس سلامه و ملحمه

لفظ ملحمه که قبل از دوره معاصر در ادب عربی کاربرد نداشت، به عنوان یکی از انواع ادبی مطرح شده است. آنچه سابقاً به عنوان حماسه در ادب عربی مطرح بوده نه یک نوع ادبی؛ بلکه غرضی از اغراض شعر؛ هم‌چون وصف و هجو بوده است (عبدالله‌زاده دیوا، ۱۳۸۹: ۱۱۱). در دوره معاصر، ملحمه به شعری گفته می‌شود متشکل از هزاران بیت، با وزنی واحد و قصه‌گونه که از نظر قافیه نیز متنوع است و بر حادثه‌های قهرمانی و فوق‌العاده که در تاریخ اتفاق افتاده، دلالت دارد؛ از این رو، می‌توان آن را قصه شعری یا شعر قصصی نامید؛ جز این‌که بعضی اوقات اسطوره‌ها و داستان‌های مردمی آن را در بر می‌گیرد.

شاعر می‌تواند موضوع ملحمه‌اش را حماسی، دینی، وطنی و انسانی قرار دهد. قهرمان ملحمه، همان کسی است که آرزوهای مردم به دست او محقق می‌شود. او ترکیبی از انسان معمولی و انسان غیرعادی است که در فضیلتی؛ چون قدرت، شجاعت، فداکاری، ایثار، عشق و... به عنوان الگویی برای مردم قرار می‌گیرد؛ اما شخصیت شاعر در پشت حوادث و قهرمانان و کلمات پنهان است. بولس سلامه، تاریخ را موضوع ملحمه‌های عیدالغدیر و عیدالریاض قرار داده و از تعهد و پابندی به دین در هر دو ملحمه‌اش خارج نشده است، از شیوه‌ای منطقی در بیان حوادث و ارتباط بین آنها پیروی کرده و در بیان وقایع تاریخی کاملاً امانتدار بوده است (عید، ۱۹۹۲: ۷۱ - ۷۷).

از ویژگی‌های ملحمه بولس سلامه، زبان نو، عبارات تازه و استدلال‌های غیرتقلیدی است. عاطفه در ملحمه او با نوعی احساس خشم و نفرت درآمیخته و در ترازوی اندوه و انتقام، همواره انتقام، پیروز است. فضای حاکم بر ملحمه او، حماسه، عاطفه و انتقام است. او سعی کرده است نسبت به

تاریخ وفادار باشد؛ از این رو، همراه با هر قصیده به وقایع تاریخی آن هم اشاره کرده است. خود او در این باره می‌گوید: «هنگامی که تصمیم به سرودن ملحمه گرفتم، به تحقیق در منابع تاریخی روی آوردم و برای رفع شک و شبهه، کم‌تر به منابع شیعه اعتماد کردم؛ بلکه مراجعه من به منابع معتبر اهل سنت بود. تا حد امکان از تاریخ بهره جستیم؛ به گونه‌ای که اگر بیش از این به تاریخ استناد می‌کردم، نویسنده‌ای بودم که تاریخ را به بند قافیه کشیده است» (سلامه، ۱۴۰۶: ۱۸).

ملاحم مشهور بولس سلامه، جایگاهی مناسب را در ادب عربی به خود اختصاص داده است. او در ملحمه‌اش، اندیشه‌ای نقدگونه دارد؛ حال آن که ملحمه، کاری ادبی، فنی و مبتکرانه است و گاهی بیان یک حادثه تاریخی در قالب ملحمه، سنگین است؛ مانند آنچه از قول پیامبر ﷺ در مورد علیؑ در روز غدیر می‌گوید:

يَا إِلَهِي وَالَّذِينَ يُؤَالُونَ ابْنَ
عَمِّي وَأَنْصُرُ حَلِيفَ نَصِيرِي

(سلامه، ۱۴۰۶: ۱۱۰)

«ای خدای من دوست بدار کسانی را که پسر عمومی من را دوست می‌دارند و هم پیمان یاور مرا یاری کن.»

یا سخنانی که در مورد سوره‌های قرآن گفته است:

تَلَكُمُ الْكُفُّ تَسْطُرُ الْوَحْيِ فَا
بَيْنَهَا (النَّجْمُ) (وَالضُّحَى) (وَبُرُوجُ)
لِقِرْطَاسٍ كَوْنٌ يَشْعُ بِالْأَنْوَارِ
(وَأَنْشِقَاقُ) يَجِيءُ بَعْدَ (الْفِطَارِ)

(همان، ۲۱۲)

«آن دستی است که آیات وحی را می‌نگاشت و کاغذ پر از روشنایی‌هایی می‌شد که در آن سوره‌های النجم، الضحی، بروج، انشقاق و پس از آن انفطار می‌آمد.»

ابیات مذکور اشاره به این موضوع دارند که پیامبر اکرم ﷺ بعضی از سوره‌های قرآن کریم را پس از نازل شدن بر علیؑ می‌خواندند. ایشان نیز به سرعت، اقدام به کتابت آن‌ها می‌کردند.

۴- ملحمه عیدالغدیر

ملحمه «عیدالغدیر» که شامل بیش از ۳۵۰۰ بیت است، در سال ۱۹۴۸ سروده شده است. سلامه برای سرودن این اثر زیبا بنا به گفته خودش در مقدمه کتاب، ۳ ماه به بررسی تاریخی داستان از منابع معتبر تاریخی پرداخته و ۳ ماه دیگر نیز آن را به نظم در آورده است. این ملحمه؛ مهمترین

بخش‌های تاریخ اسلامی از زمان جاهلیت تا پایان واقعه کربلا و اتفاقاتی چون جنگ‌ها، سیاست‌ها و جشن‌هایی را که مرتبط با این دوره است در بردارد.

عیدالغدیر هم جزئی از این کتاب است که جزء را ذکر و اراده کل کرده است. سلامه به عنوان یک راوی، به ترتیب، به بیان بزرگی‌های بنی‌هاشم و برتری اخلاقی آن‌ها در عصر جاهلی، برانگیخته شدن پیامبر گرامی اسلام ﷺ و نور اسلام که تاریخ انسان را دگرگون کرد، شخصیت علی‌علیه السلام و بزرگی‌ها و قهرمانی‌های ایشان و وادی غدیر؛ یعنی همان جایی که پیامبر ﷺ، علی‌علیه السلام را خلیفه بعد از خود معرفی کردند، می‌پردازد؛ سپس از امام حسین بن علی‌علیه السلام و حرکت انقلابی و جهادی ایشان تا به شهادت رسیدنشان، می‌گوید و بعد از آن، پایان ملحمة‌اش را می‌آورد. علتی که مانع از آن شد تا سلامه، نامی دیگر غیر از «عیدالغدیر» را برای منظومه‌اش برگزیند، ایمان او به این است که اکمال و اتمام دین در روز غدیر، آشکارتر و درخشان‌تر از هر زمانی دیگر آشکار می‌گردد.

۴-۱: ویژگی‌های ملحمة عیدالغدیر

از خصوصیات ملحمة عیدالغدیر، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۴-۱-۱: طرح داستان و اسلوب حاکم بر ملحمة عیدالغدیر: زندگی امام علی‌علیه السلام بخشی از ملحمة عیدالغدیر را در بر می‌گیرد و در نگرش کلی به طرح داستان، باید مجموع آن، مورد بازبینی و تحلیل قرار گیرد؛

۴-۱-۲: ملحمة عیدالغدیر از نظر فنی، با اسلوب شناخته شده در ادب معاصر عربی سازگاری بیش‌تر دارد. طرح کلی داستان در تصویر زندگی اهل بیت ﷺ از نظر فنی، ماهرانه طراحی شده است. از ورود به داستان و جرقه نخستین حوادث که مؤلف آن را به دوره جاهلی و صدر اسلام برمی‌گرداند از حادثه‌ای به حادثه دیگر انتقال می‌یابد تا تلاش برای نمایش تقابل حق و باطل و رویارویی خیر و شر مشهود است؛

۴-۱-۳: سلامه از به کارگیری قهرمانان متعدد که موجب سردرگمی خواننده و عدم انسجام داستان می‌شوند، پرهیز نموده و به حضور چند قهرمان اصلی و نامدار در داستان اکتفا کرده است. وی مطلقاً به جنبه‌های قدسی قهرمانان و امدادهای الهی در ملحمة خود توجه ننموده است؛ بلکه به

قهرمان ملحمه خویش به عنوان بشری معمولی نگریسته که بلندهمت، ایستادگی و عظمت او، موجب قداستش شده است؛ (خزعلی، ۱۳۸۳: ۲۳۳-۲۳۸)

۴-۱-۴: اسلوب قصه، فراتر از نقل روایی و تاریخی است. نویسنده، در هیچ جای ملحمه، خود را مقید به ذکر عین خطبه یا روایت نمی کند و مضمون نقل های تاریخی را با سبک نوشتاری خویش به خواننده انتقال می دهد و تعهد دارد که از الفاظ وارد در منقولات استفاده نکند؛ به طوری که سلامه در بیش تر ابیات ملحمه اش به ثبت حادثه تاریخی پرداخته است؛ بلکه بیانگر دیدگاه خاص او، همان ابراز احساسات باطنی و وجدانی نسبت به آن حادثه تاریخی می باشد؛ (الحرز، ۱۴۲۶: ۱۶)

۴-۱-۵: سلامه نه به دنبال نقل یک حادثه تاریخی است و نه در پی حفظ امانت در بیان واقعه؛ بلکه آن چه را که با جان و دل دریافته و پذیرفته است در ساختار ادبی ملحمه می ریزد و به پردازش روح حادثه، انگیزه و اهداف توجه می نماید. او از محدود افراد غیرمسلمانی است که بی باکانه، مفاسد بنی امیه و جور و خیانت آن ها را برملا می کند و در پرده پوشی و توجیه اعمال آنان تلاش نمی کند؛ ۴-۱-۶: شخصیت پردازی در ملحمه عیدالغدیر: از ابتدای ملحمه که از عصر جاهلی آغاز می شود، چهره قهرمان داستان و تصویر دشمن به خوبی ترسیم شده است. سلامه، کم تر به توصیف صفات و خصوصیات فردی پرداخته و القائنات او در این باب از طریق نقل زیبای حوادث است؛ (خزعلی، ۱۳۸۳: ۲۳۹)

۴-۱-۷: عاطفه در ملحمه او با نوعی احساس خشم و نفرت درآمیخته است و در ترازوی اندوه و انتقام، همواره انتقام را پیروز و غالب می یابیم؛ مثلاً از شدت عشق به مولا، خطاب به قاتل ایشان می گوید:

إِيهِ عَبْدَ الرَّحْمَنِ نَذَلَ مُرَادِ	يَا عَدُوَّ السَّمَاءِ فِي بَعْضَائِهِ
أَنْتَ عَبْدُ الشَّيْطَانِ خُلِقْنَا وَخُلِقْنَا	وَالرَّزِيمُ الدَّنِيِّ فِي أَدْبَائِهِ
لَطْحَةُ الْعَارِ يَا ابْنَ مُلْجَمٍ يَا مَنْ	فَحُ نَشْنُ الْأَقْدَارِ مِنْ أَسْمَائِهِ

(سلامه، ۱۴۰۶: ۱۸۶)

«بس کن ای عبدالرحمان، ای پست و فرومایه قبیله مرادی، ای دشمن آسمان در کینه تیزی، تو در خلق و خو، بنده شیطانی و پست ترین و فرومایه ترین بندگان شیطانی. ای ابن ملجم تو آلوده به ننگ و عاری. ای که از نامت بوی گند بر می آید.»

به نظر سید حسین مرعشی، دو دلیل وجود دارد که باعث شده عاطفه این شاعر مسیحی در سرودن این حماسه اسلامی این چنین متبلور گردد: نخست این که به هنگام سرودن آن از بیماری سخت و مزمنی رنج می‌برده و موضوع دیگر، پیوندی درونی است که بین او و داستان حماسه و قهرمانان آن وجود داشته، چنان که خود وی گوید به هنگام سرودن این حماسه اشک، دیدگانش را تر کرده است.

وَأَنْبِئِي ثَوَابَ مَا سَطَّرْتُ كَفِّي، فَهَاجَ الدُّمُوعُ فِي مَقْلَتِيَا

(همان، ۱۸۴)

«پاداش آنچه را که دستم نگاشته به من برسان که اشک در چشمانم جاری شده است.»
سلامه در بیان این پیوند درونی تا آن‌جا پیش می‌رود که در شاه بیت این حماسه، خود را علوی (مسیحی علوی) می‌نامد؛ (مرعشی، ۱۳۸۳: ۱۵۳)

۴-۱-۸: الفاظ سلامه از غموض و پیچیدگی خالی نیست؛ برخی از کلمات او، نأمانوس و غریب است و از سرعت انتقال معنی می‌کاهد و مطلب را پس از تأملاتی به خواننده منتقل می‌کند؛ هم‌چنان که الفاظ تهاجمی و خشن در این ملحمه بسیار مشهود است. به کارگیری کلماتی؛ مانند: «الْأَبْرَصُ الْبَغِيضُ»، «مَسْرَحًا لِلْفُرُودِ»، «سُبَّةَ الْأَحْقَابِ» و «وصمة التاریخ»، عمق کینه او را نسبت به بنی‌امیه تصویر می‌کند. فضای حاکم بر ملحمه، حماسه، عاطفه و انتقام است که موجب اثرگذاری و نفوذ آن می‌گردد. سلامه برای ترسیم چنین جوی از تشبیهات، استعارات و به ویژه کنایه استفاده کرده است. جناس نیز از دیگر صنایع به کار رفته در این ملحمه است؛ همانند آن‌جا که خطاب به شمشیر ابن ملجم که فرق علی عليه السلام را شکافت، می‌گوید:

يَا حِسَامًا قَدْ قَلَّ رَأْسُ عَلِيٍّ طِبْتَ مِنْ طَعْنَةِ الْوُرُودِ حِسَامًا
قَدْ شَرِبْتَ الدَّمَ الزَّكِيَّ، فَطَارَ الرَّجْسُ، كَالشَّمْسِ إِذْ تَحِلُّ الْعَمَامَا

(سلامه، ۱۴۰۶: ۱۸۱)

«ای شمشیری که سر علی عليه السلام را شکافتی، از ضربه‌ای که بر سر او وارد کردی بوی خوش گرفتی. خون پاکي را نوشیدی، پلیدی رفت چون خورشیدی که جای ابر را بگیرد.»

۴-۱-۹: شرایط زندگی و جلوه‌های گوناگون محیط زندگی ملحمه‌سرا در قالب و سبک ملحمه بی‌اثر نبوده است؛ مثلاً به تأثیر از طبیعت زیبا و جذّاب لبنان در ارتباط با تولّد علیّ علیه السلام چنین می‌سراید:

وَاسْتَفَاقَ الْحَمَامُ يَسْجَعُ سَجْعًا فَتَهَيْشُ الْأَرْكَانُ لِلتَّغْرِيدِ
بَسْمَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حُبُورًا وَتَنَادَتْ حِجَارَةٌ لِلنَّشِيدِ

(همان، ۳۷)

«کبوتران خفته به هوش آمدند و آواز سردادند و پایه‌های خانه کعبه از شادمانی ترک برداشتند و شکافتند. مسجد الحرام از شادکامی لبخند زد و سنگ‌های آن با بانگ بلند به سرود خوانی نشستند.»

هم‌چنین شور و حال مبارزه و ستم‌ستیزی جنوب لبنان، ملحمه سلامه را عاطفه‌ای رقیق و پر از حماسه و مبارزه با ظلم و بیداد ساخته است. شاید شغل او (قضاوت) نیز در تصویر چهره زشت ظلم و بیداد، بی‌اثر نبوده است؛

۴-۱-۱۰: ملحمه عبدالغدير سلامه در بحر خفیف سروده شده است. عمق درد و جراحت را می‌توان در اشعار او جست و جو نمود (خزعلی، ۱۳۸۳: ۲۴۴ - ۲۶۱).

۵- موضوعات و مضامین ملحمه عبدالغدير

۵-۱: علیّ علیه السلام، وارث و برادر نبی اکرم صلی الله علیه و آله

ابلاغ پیام ولایت علیّ علیه السلام توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فقط منحصر به روز غدیر نمی‌شود؛ بلکه سال‌ها پیش پیامبر صلی الله علیه و آله آن را پیش‌بینی کرده و در جمع خویشاوندان خود آن را علناً اعلام نموده بودند. بولس سلامه، یقین دارد که ولایت علیّ علیه السلام یک ولایت الهی است و دعوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از خویشاوندان نزدیکش را برای دخول به جهان توحید و عالم نور و رحمت، چنین وصف می‌کند:

وَأَعَادَ النَّبِيُّ حَرَّ دُعَاءِ لَمْ يُحَرِّكَ سَوَى جِنَانِ الْوُدُودِ
وَإِذَا بِالنَّبِيِّ يُزَسَّلُ قَوْلًا رَنَّ فِي مَسْمَعِ الزَّمَانِ الْبُعِيدِ
أَنْتَ مَنِّي وَوَارِثِي وَوَزِيرِي وَعَلَى الْحَوْضِ أَنْتَ بَكْرُ شُهُودِي

(سلامه، ۱۴۰۶: ۱۸۴)

«پیامبر اکرم ﷺ دوباره دعوتش را اعلام کردند و فقط قلب کسی که دوست او بود، پاسخ مثبت داد. در پی این پاسخ مثبت، پیامبر ﷺ کلامی را فرمودند که در گوش زمان، طنین انداز شده است. فرمود: تو وارث و وزیر من هستی و بر حوض کوثر تو اولین شاهد و گواه من.»

مصراع اول بیت، تلمیح به سخن رسول اکرم ﷺ در جمع خویشاوندان خود است، آن هنگام که آن‌ها را به اسلام دعوت می‌کردند: «هر کدام از شما که به این خواسته پاسخ مثبت دهد، برادر، وزیر، وارث و جانشین بعد از من می‌شود» و بعد از چند بار مطرح کردن این سؤال که چه کسی حاضر است، برادر و وارث و جانشین من شود؟ هر بار فقط علیؑ پاسخ مثبت می‌داد و پیامبر ﷺ خطاب به ایشان فرمودند: «ای علیؑ، تو برادر و وارث و جانشین من خواهی بود.»

سلامه در مصراع دوم، فرموده پیامبر ﷺ به امام علیؑ را قصد کرده است، آن‌جا که می‌فرمایند: «وَإِنَّكَ عِدَا عَلَى الْخَوْضِ خَلِيفَتِي وَأَنْتَ أَوْلُ مَنْ يَرِدُ عَلَى الْخَوْضِ، وَأَنْتَ تَزُودُ الْمُنَافِقِينَ عَنْ الْخَوْضِ» (انور هیفا، ۱۴۲۶: ۱۶۰). «ای علی تو فردا در حوض کوثر، جانشین من هستی و تو در میان امت من، اولین کسی هستی که بر حوض کوثر وارد می‌شود و تو منافقین را از نزدیک شدن به حوض کوثر می‌رانی.»

۵-۲: بازگشت از حج و ابلاغ پیام ولایت

از مهم‌ترین مسایل حجة الوداع، که در راه بازگشت در غدیر خم انجام گرفت، ایفای آخرین مأموریت الهی؛ یعنی انتصاب حضرت علیؑ به ولایت بر امت از سوی پیامبر ﷺ بود. مأموریتی که با همه رسالت بیست و سه ساله آن حضرت ﷺ برابری می‌کرد. قرآن عدم ابلاغ آن را به معنای عدم تبلیغ رسالت پیامبر می‌شمارد؛ «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...» (مائده/۶۷)، «ای پیامبر آنچه را از جانب پروردگارت به سوی تو فرستاده شده به مردم ابلاغ کن و اگر نکنی رسالتش را ابلاغ نکرده‌ای...» در چنین سالی بیش از صد هزار نفر، همراه ایشان بودند. سلامه در قصیده «یوم الغدیر» بازگشت از حجة الوداع را توصیف و تعداد زیاد شرکت کنندگان را به موج دریا تشبیه می‌کند:

عَادَ مِنْ حَجَّةِ الْوَدَاعِ الْخَطِيرِ وَلَيْفُ الْحَجِيجِ مَوْجُ بُحُورِ

(سلامه، ۱۴۰۶: ۱۰۶)

«پیامبر ﷺ از حجة الوداع برگشت و حاجیان گروه گروه مانند امواج دریا بازگشتند.»

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به امر باری تعالی پیام ولایت و وصایت را در جمع عظیم مسلمانان در وادی «خم» اعلام و ابلاغ کردند؛ شاعر با دقتی خاص به توصیف گرمای طاقت‌فرسای غدیر خم پرداخته است و در واقع با این کار، توقف خیل عظیم مسلمانان در آن محل را امری ساده و بیهوده ندانسته است:

بَلَّغَ الْعَائِدُونَ بَطْحَاءَ (خُم) فَكَأَنَّ الرُّكْبَانَ فِي التَّنُّورِ
عَرَفُوهُ غَدِيرَ خُمٍ وَلَيْسَ الْغَوُزُ إِلَّا تُمَالَةً مِنْ غَدِيرِ

(همان، ۱۰۷)

«پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مسلمانان به آبگیر (خم) رسیدند. آن قدر گرم بود که گویی سواران در تنور قرار داشتند. آن جا را به نام غدیر خم می‌شناختند؛ اما آن گودی جز ته‌مانده‌ای از برکه آب چیزی نبود.»

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با اعلام این که رحلتش به سرای باقی نزدیک است، جان‌شینی و ولایت امام علی عَلَيْهِ السَّلَام را بر همگان اعلام فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ...»، «ای مردم هر کس من مولای او هستم، زین پس علی مولای او است.» پس دست به دعا برداشت: «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاحْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ» (بهداروند، ۱۳۷۵: ۱۶)، «پروودگارا دوست بدار کسی که او را دوست می‌دارد و دشمن بدار کسی را که با او دشمنی کند، یاری کن کسی را که یاری کننده او باشد و خوار کن کسی که او را خوار کند.»

۳-۵: ابلاغ جبرئیل

پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بعد از سال‌های پرفراز و نشیب، تبعیدها، شکنجه‌ها و ترورها اینک از حجة‌الوداع بازمی‌گردد. هر کس از هر طایفه‌ای در بازگشت به موطن خویش است که ناگهان جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام بر وجود مبارک پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل می‌شود و او را خبر از واقعه‌ای مهم می‌دهد و آیه تبلیغ نازل می‌شود: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (مائده/۶۷)، «ای پیامبر آنچه را از جانب پروردگارت به سوی تو فرستاده شده به مردم ابلاغ کن و اگر نکنی رسالتش را ابلاغ نکرده‌ای، خداوند تو را از گزند مردم مصون می‌دارد، قطعاً خداوند مردم کفر پیشه را به اهدافشان راه نمی‌نماید.»

نزول آیه غدیر (آیه تبلیغ) به معنای رسیدن وقت ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام بود. سلامه به فرود آمدن جبرئیل، چنین اشاره می‌کند:

جَاءَ جِبْرِيلُ قَائِلًا: يَا نَبِيَّ اللَّهِ
أَنْتَ فِي عِصْمَةٍ مِنَ النَّاسِ فَأَنْتُمْ
وَأَذْعَمَهَا رِسَالَةَ اللَّهِ وَحْيًا

بَلَّغْ كَلَامَ رَبِّ مُجِيرٍ
بَيِّنَاتِ السَّمَاءِ لِلْجُمُورِ
سَزْمَدِيًّا وَحُجَّةً لِلْعُصُورِ

(سلامه، ۱۴۰۶: ۱۰۸)

«جبرئیل بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد و گفت: ای پیامبر خدا، کلام خداوند پناه‌دهنده را به مردم ابلاغ کن. تو در برابر مردم محفوظی، پس دستور خداوند را که از آسمان بر تو نازل شده برای همه بیان کن و پیام خدا را که وحی جاویدان و تنها دلیل و برهان برای تمام زمان‌ها است، اعلام کن.»

خدا می‌داند که در اعلام غدیر، چه نهفته است؟! در یک سو کل دوران تبلیغ، شکنجه‌ها، شعب ابی‌طالب، سنگ خوردن‌ها و دندان‌شکستن‌ها و غدیر در سویی دیگر. اینک چه اهمیتی در آن است که عدم اعلام آن، برابر با هدر رفتن تمام زحمات پیامبر است؟! به راستی همین آیه می‌تواند ارزش و هویت ولایت را در عرصه استدلال به کرسی بنشانند (بهداروند، ۱۳۷۵: ۱۳).

پس از ابلاغ پیام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله به کاروان، دوباره جبرئیل فرود آمد و به محمد صلی الله علیه و آله به دلیل اکمال دین تبریک گفت. این قضیه را بولس سلامه این گونه به نظم در آورده است:

أَنْزَلَ اللَّهُ آيَةَ عَقَبَ ذَلِكَ
الْيَوْمَ خَتَمًا لِدِينِهِ الْمَبْرُورِ

(سلامه، ۱۴۰۶: ۱۰۸)

«خدا در پی آن، آیه‌ای نازل کرد که امروز، روز اکمال دین پاکش است.»

۵-۴: حدیث غدیر

از نظر سلامه این واقعه، مهم‌ترین اتفاق تاریخ صدر اسلام به شمار می‌آید؛ به همین دلیل، ملحمة خود را «عیدالغدیر» نامیده است. وی در قصیده «یوم الغدیر» به نقل سخن از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌پردازد که خداوند را تنها حامی و یاور خویش و مردم می‌داند، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از خدا خود را ولی امر مسلمین دانسته که این امر از زمان‌های دور آغاز شده و تا ابد ادامه خواهد داشت.

نکته اساسی بحث جایی است که پیامبر ﷺ این وظیفه خطیر را بر عهده مولا علیؑ می‌نهد و در حق ایشان به دعا می‌پردازد:

وَمَوْلَايَ نَاصِرِي وَمُجِيرِي	أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا اللَّهُ مَوْلَاكُمْ
طِفْلاً حَتَّى زَوَالِ الدُّهُورِ	ثُمَّ إِنِّي وَلِيكُمْ مِنْذُ كَانَ الدَّهْرُ
فَعَلَيْ مَوْلَاهُ غَيْرَ نَكِيرِ	يَا إِلَهِي مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ حَقًّا
عَمِّي وَأَنْصُرُ حَلِيفَ نَصِيرِي	يَا إِلَهِي وَالَّذِينَ يُؤَالُونَ ابْنَ
كُلِّ نَكْسٍ وَخَاذِلِ شَرِيرِ	كُنْ عَدُوًّا لِمَنْ يُعَادِيهِ وَأَخْذُلْ

(سلامه، ۱۴۰۶: ۱۱۰)

«ای مردم! تنها خداوند، مولای من و مولای شما و یاور و پناه‌دهنده من است. من از زمان پیدایش روزگار تا نهایت آن، ولی شما خواهم بود. ای پروردگار من! هر کس به حقیقت، من مولا و سرپرست او هستم، بی هیچ شک و انکار، علی مولای او خواهد بود. ای خدای من دوست بدار کسانی را که پسر عموی مرا دوست بدارند و هم‌پیمان یاور مرا یاری کن. خدایا دشمنان را دشمن بدار و هر انسان پست و حقیر و بدکردار را خوار کن.»

این ابیات اشاره دارد به این حدیث نبوی: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ...»، «هر کسی من مولا و سرپرست او هستم، پس این علی مولای او است...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۵۸/۳۷).

۵-۵: آیه تطهیر

انعکاس آیه تطهیر در غدیریه‌های سلامه را به وضوح می‌توان مشاهده کرد. این امر، حاکی از این است که اسلام و قرآن و ائمهٔ علیهم‌السلام مسلمانان توانسته‌اند عمق جان جهانیان را تصرف کنند تا جایی که شاعرانی از آیین‌ها و کیش‌های دیگر هم به تک‌تک آیات و احادیث ما کاملاً آشنا هستند و حتی از آن‌ها تأثیر پذیرفته و در اشعار خود انعکاس داده‌اند؛ چنان‌که سلامه از زبان پیامبر اکرم ﷺ در روز غدیر - بعد از ابلاغ پیام جبرئیل - خطاب به مردم سخن می‌گوید؛ که در روز قیامت و رسیدن به حوض کوثر، علیؑ بر همگان پیشی خواهد گرفت و پیامبر ﷺ در آن روز از مردم در مورد اطاعت از امر ایشان سؤال خواهند پرسید. سپس پیامبر ﷺ به اندرز مسلمین می‌پردازند که از راه حق گمراه نشوند و به کتاب الهی و عترت ایشان متمسک شوند:

سَوْفَ أَلْقَاكُمْ عَلَى الْحَوْضِ
 إِذْ يَأْتِي عَلِيٌّ بِكَبِيرٍ كُلِّ بَكِيرٍ
 أَسْأَلُ الْمُؤْمِنِينَ كَيْفَ حَفَظْتُمْ
 عَفْوَ آيِ الْقُرْآنِ أَمْرَ سَفِيرِي
 لَا تَظَلُّوا وَاسْتَمْسِكُوا بِكِتَابِ
 اللَّهُ بَعْدِي بَعِثْتَنِي بِالْأَمِيرِ
 إِنَّكُمْ وَرَدَّ عَلَى الْحَوْضِ يَوْمًا
 وَهُوَ مَدُّ الْخِيَالِ مَدُّ الصَّمْرِ

(سلامه، ۱۴۰۶: ۱۱۱)

«روز قیامت شما را در کنار حوض، ملاقات خواهیم کرد. وقتی که علی زودتر از همه خواهد آمد، از مؤمنان خواهیم پرسید که چگونه آیات قرآن و امر سفیر مرا حفظ کردید. پس گمراه نشوید و بعد از من به کتاب خدا و خاندان من و حضرت امیر چنگ زنید. شما روزی بر حوض کوثر، وارد خواهید شد و این آرزوی قلبی و درونی شما است.»

۶-۵: وضوح ابلاغ رسول ﷺ

از نظر سلامه، پیامبر اکرم ﷺ نظر خود را درباره ولایت علی ﷺ در روز غدیر به وضوح و بدون هیچ تردید و نکته‌ای مبهم بیان کرده است. شاعر سخن پیامبر ﷺ را مورد ولایت امام علی ﷺ واضح و بی‌پرده دانسته و آن را در روشنایی و وضوح به روز تشبیه ساخته است. وی هم‌چنین این کلام را بسیار ساده دانسته به طوری که نیازمند هیچ گونه تفسیری نیست:

بَثَّ طَهَ مَقَالَهُ فِي عَلِيٍّ
 وَأَصْحَا كَالنَّهَارِ دُونَ سُبُورِ
 لَا مَجَازَ وَلَا غُمُوضَ وَلَبْسَ
 يَسْتَحْتُ الْأَفْهَامَ لِلتَّفْسِيرِ صَمْرِ

(همان، ۱۱۲)

«پیامبر ﷺ سخنش را درباره علی ﷺ بسیار واضح و آشکار و بی‌پرده، چون روز روشن بیان کرد. بدون مجاز و پیچیدگی و ابهامی که فهمیدنش نیاز به تفسیر داشته باشد.»

۷-۵: جایگاه غدیر و بعثت

سلامه، معتقد است روز غدیر خم و روز بعثت پیامبر ﷺ یک جایگاه دارند و یک هدف را دنبال می‌کنند:

كَانَ وَهَجُ الشُّرُوقِ يَوْمَ حَرَاءِ
 وَجَلَّالَ الْمَغِيبِ يَوْمَ الْغَدِيرِ

(همان)

«روز حرا زمانی بود که خداوند خورشید ولایت را به پیامبر ﷺ داد و روز غدیر، خداوند، خورشید ولایت را به علیؑ داد.»

در این جا منظور سلامه از طلوع خورشید، طلوع فجر ولایت است؛ همان طور که خورشید یک سیر طبیعی دارد، ولایت هم یک سیر منطقی و منظم دارد و در غدیر، ولایت از پیامبر ﷺ به علیؑ داده شد.

سلامه هم این عید را این چنین به علیؑ تبریک می گوید:

عِيدُكَ الْعِيدُ يَا عَلِيُّ فَإِنْ يَضُمْتُ
حَسُوذًا أَوْ طَامِسًا لِلْبُدُورِ

(همان، ۱۱۲)

«ای علیؑ عید غدیر روز عید تو است هر چند حسودان سکوت کنند یا بخواهند ماه را محو کنند.»

۸-۵: اصرار پیامبر ﷺ به ثبت ولایت علیؑ

سلامه در طرح مسأله بیعت غدیر و اثبات این موضوع که رسول اکرم ﷺ علاقه مند به نوشتن و ثبت آن برای مسلمانان بودند تا چراغ راه مردم باشد و گمراه نشوند، باجرات ترین پژوهشگر و ادیب مسیحی به شمار می رود. پیامبر ﷺ این مسأله را در بستر مرگ و در بین جمعی از صحابه، مطرح کردند. سلامه، آن را چنین بیان می کند:

قَالَ: «آتُوا بِمِرْقَمٍ وَدَوَاةٍ
لَا تَضِلُّونَ بَعْدَهُ فَهُوَ سِفْرٌ
لَمْ يَجِئْهُوْهُ لِّلَّذِي زَامَ بَلَّ رَا حُوا
يَرْهَبُ التُّورَ مَنْ يَرَى التُّورَ كَشْفَا
إِنِّي مُنْشِيءٌ كِتَابًا جَلِيلًا
يَمْنَعُ اللّٰهُ نَصَّهُ أَنْ يَحُولًا
مُفِيضِينَ فِي الشَّقَاقِ طَوِيلًا
لِيَبَيِّنَ يَوْذُهُ مَشْكُورًا

(همان، ۱۱۶)

«پیامبر فرمود: قلم دوات بیاورید تا برای شما مطالبی مهم را انشا کنم که بعد از من گمراه نشوید، مطالبی که بر اساس قرآن است و قرآن، کتابی است که خداوند، حافظ آن در برابر تحریف است. به دلیل آن چه در نیت داشتند پاسخش را ندادند؛ بلکه به اختلافات دامن زدند. کسی که نور را کاشف آن چیزی می داند که دوست دارد پنهان بماند، از نور فرار می کند.»

بله، این ابیات چنین می‌نمایند که اطرافیان، مانع از اجابت دستور نبی اکرم ﷺ شدند. آنها خواستار خاموش شدن نور حق و مخالف اراده و مشیت الهی بودند. این امر، علتی دیگر است که مانع از آن شد تا سلامه اسمی دیگر غیر از «عیدالغدیر» را برای منظومه‌اش برگزینند.

نتیجه‌گیری

- ۱- سلامه با نامگذاری غدیر بر مجموعه شعری خود، جزء را بیان و کل را اراده کرده است؛ چنان که غدیر، بخشی از مجموعه شعری او است. بقیه زندگی امام علی علیه السلام در نظر سلامه، کم‌اهمیت‌تر از غدیر نبوده است؛ بلکه سراسر زندگی آن حضرت را از ابتدا تا انتها زمینه‌ساز رقم خوردن غدیر می‌داند؛
- ۲- شاید برخی از سخنان و ابیات علوی سلامه، نشأت گرفته از اعتقادات وی نباشد؛ اما نشان‌دهنده شناخت او در حد ظرفیت و درکش از امام اول شیعیان و واقعه غدیر است؛
- ۳- سلامه در زمینه شناخت امام علی علیه السلام و واقعه غدیر، آثاری ناب از خود بر جای گذاشته است که ضمن ترویج خوبی‌ها، گواهی می‌دهند که دنیای ارزش‌های والای انسانی، دنیایی بدون مرز و دسته‌بندی است؛
- ۴- سلامه با وجود این که یک مسیحی است اقرار می‌کند که علی علیه السلام از طرف خدا و رسول خدا برگزیده شده و اعلام خبر ولایت ایشان، بدون هیچ ترس و خوفی و در ملاء عام بوده است؛
- ۵- بولس سلامه در اشعار علوی‌اش به شیوه کلاسیک، نغمه‌سرای کرده است؛
- ۶- غدیریته سلامه، تراوشات خالصانه و از روی ارادت او به حضرت علی علیه السلام است. او سعی داشته تا زندگی را از آن حضرت بیاموزد و آن‌چنان محو ایشان شده که اکثر سروده‌های خود را با به کارگیری انواع آرایه‌های ادبی از جمله تشبیه و استعاره و با ذکر مثال‌ها و اشاره‌های گوناگون به این مقام والای انسانی، متبرک و مزین گردانده است؛
- ۷- ملحمه «عید الغدیر» و اشعار علوی بولس سلامه، اعتقاد قلبی او را به حضرت علی علیه السلام اثبات می‌کند. او با انگیزه ثواب و وصول به اجر اخروی، در مورد امام علی علیه السلام، شعر سروده است؛
- ۸- بولس سلامه، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را الگوی صبر، بزرگواری، عدل و اخلاق پیامبرگونه می‌داند و معیار شیعه علی علیه السلام بودن را تنها در هواداری ایشان نمی‌داند؛ بلکه معتقد است هر کس انصاف داشته باشد، شیعه امام علیه السلام خواهد بود.

منابع و مآخذ

- ۱- انور هیفا، راجی (۱۴۲۶)، الامام علیّ فی الفكر المسيحي المعاصر، بیروت: دارالعلوم.
- ۲- بهداروند، محمد مهدی (۱۳۷۵)، گلبنانگ غدیر (مجموعه شعر برگزیده از شاعران نامدار شیعه)، تهران: پیام آزادی.
- ۳- حرز، ناجی بن داود (۱۴۲۶)، الامام علیّ علیه السلام فی عیون الشاعر بولس السلامة، بیروت: مؤسسه أم القرى للتحقیق و النشر.
- ۴- خزعلی، انسیه (۱۳۸۳)، امام حسین در شعر معاصر عربی، تهران: امیرکبیر.
- ۵- رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۷)، امیرالمؤمنین علیّ علیه السلام از نگاه دیگران (اهل عاقله و مسیحیان)، قم: الماس.
- ۶- سایت پایگاه اطلاع رسانی حوزه (آخرین بازبینی: ۹۵/۱۱/۳۰)،
<http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View//۴۶۳۰۰/۵۱۲۳/۳۲۸۲>
- ۷- سراج، محمدابراهیم (۱۳۷۶)، خورشید بی غروب (امام علیّ علیه السلام)، تهران: مؤسسه انتشارات نبوی.
- ۸- سلامة، بولس (۱۳۶۶)، «علیّ الزاهد المتصوّف»، مجلة العرفان، مجلد ۳۳، جزء ۷.
- ۹- سلامة، بولس (۱۴۰۶)، عید الغدیر (اول ملحمة عربیة)، بیروت: دار الكتاب اللبناني.
- ۱۰- عبداللهزاده دیوا، سیده مرضیه (۱۳۸۹)، رثاء حسینی در دیوان شعرای سرزمین های عرب نشین در عصر معاصر، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم.
- ۱۱- عید، منصور (۱۹۹۲)، بولس سلامة شاعر الملاحم والألم، بیروت: دارالمشرق.
- ۱۲- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۱۳- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴)، ترجمه قرآن کریم، چاپ سوم، قم: اسوه.
- ۱۴- مرعشی، سیدحسین (۱۳۸۳)، حماسة عید الغدیر، تهران: منیر.
- ۱۵- نجفی، گودرز (۱۳۷۹)، امام علیّ علیه السلام در نگاه مشاهیر اسلام و مسیحیت، تهران: عابد.